

Explaining the Meaning of Short Sale and its Consequences from the Perspective of Verses and Hadiths

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Soghra Molaee
Faraj Behzad*
Alireza Abdorrahimy

How to cite this article

Soghra Molaee, Faraj Behzad, Alireza Abdorrahimy, Explaining the Meaning of Short Sale and its Consequences from the Perspective of Verses and Hadiths; *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;7(1):489-497.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardabil branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: behzad.f.phd@gmail.com

Article History

Received: 2023/03/25
Accepted: 2023/07/02

ABSTRACT

Purpose: Short selling is one of the obstacles of Islamic economy, which is condemned by Islam and is included in major sins and is an example of violating the rights of others. In short selling, the balance in mutual rights is lost and serious damage is caused to the society.

Materials and methods: Selling less leads to distance from God's mercy and causes destruction and corruption in the society. Therefore, considering the importance of the subject, this research investigates the concept of underselling and its factors and consequences from the perspective of the Qur'an and hadiths with a descriptive-analytical approach.

Findings: The results show that underselling means putting less in the measure or weight and reducing the rights of others. Under-selling is formed under the influence of factors such as lack of faith in resurrection, greed, disbelief and lack of faith, impiety, imitation, lack of prayer, and consequences such as oppression, drought, social corruption, deprivation of goodness, deprivation of divine mercy, curse, Threats, hellfire, inclination to falsehood, deprivation of trust, economic corruption, descent of divine punishment, destruction, decline of social values follow.

Conclusion: These damages destroy religion and human life; And it turns the economy from a state of growth and prosperity to a sick economy and causes it to collapse.

Keywords: Underselling, Factors, Consequences, Quran, Traditions

تبيين معنای کم فروشی و پیامد های آن از منظر آیات و

روایات

صغری مولایی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

فرج بهزاد *

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا عبدالرحیمی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

هدف: کم فروشی یکی از موانع اقتصاد اسلامی است که مورد مذمت اسلام و مشمول گناهان کبیره و از مصادیق تضييع حقوق دیگران است. در کم فروشی تعادل و توازن در حقوق متقابل از بین می‌رود و آسیب جدی به جامعه وارد می‌شود.

مواد و روش‌ها: کم فروشی موجب دوری از رحمت خدا و سبب تباهی و فساد در جامعه می‌شود. لذا نظر به اهمیت موضوع، این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی مفهوم کم فروشی و عوامل و پیامد های آن از منظر قرآن و روایات می‌پردازد.

یافت‌ها: نتایج نشان می‌دهد که کم فروشی به معنی کم گذاشتن در پیمانانه یا وزن و کاستن از حق دیگران است. کم فروشی تحت تاثیر عواملی همچون نداشتن ایمان به معاد، حرص، کفر و عدم ایمان، بی تقوایی، تقلید، بی‌نمازی شکل می‌گیرد و پیامد هایی همچون ظلم، خشکسالی، فساد اجتماعی، محرومیت از خیر، محرومیت از رحمت الهی، نفرین، تهدید، آتش دوزخ، گرایش به باطل، سلب اعتماد، فساد اقتصادی، نزول عذاب الهی، نابودی، افول ارزشهای اجتماعی در پی دارد.

نتیجه گیری: این آسیب ها دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ و اقتصاد را از حالت رشد و شکوفایی به اقتصاد بیمار تبدیل می‌کند و موجب فروپاشی آن می‌شود.

کلید واژه ها: کم فروشی، عوامل، پیامد ها، قرآن، روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

*نویسنده مسئول: behzad.f.phd@gmail.com

مقدمه

کم گذاشتن و کم فروشی باعث می‌شود جامعه و روابط اقتصادی از حالت عدالت خارج شود. کم فروشی از مظاهر ظلم و فساد اقتصادی است. کم فروشی مال انسان را بی برکت می‌کند و سبب می‌شود که ارزش های اجتماعی و اعتماد اجتماعی تضعیف شود. وقتی اعتماد اجتماعی ضعیف شد، مبادلات اقتصادی و اجتماعی دچار مشکل می‌گردد. بنابر این، اگر مبنای کار بر عدالت باشد و همگان به موازین اخلاقی عمل کنند، اقتصاد جامعه نیز شکوفاتر می‌شود. از این رو، پیشرفت واقعی در جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که راستگویی و صداقت در مبادلات، اصل حاکم بر جامعه باشد. گرانفروشی و کم فروشی یکی از راههای کسب درآمد حرام است که سبب متزلزل شدن اقتصاد می‌شود. کم فروشی به عنوان یکی از مصادیق کسب حرام و از گناهان کبیره در قرآن به شمار می‌رود. علت نهی و مذمت کم فروشی در قرآن، به دلیل پیامد هایی است که در ابعاد مختلف اقتصادی، اعتقادی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بر جوامع بشری وارد می‌شود. از نگاه اقتصادی، کم فروشی با ضایع کردن حق مردم، اعتماد افراد جامعه به یکدیگر را کم می‌کند و تعادل نظام اقتصادی و جامعه را به هم می‌زند [۱].

قرآن کریم یکی از اهداف مهم انبیاء را برقراری قسط و عدل می‌داند و مردم را به ادای حق پیمانانه و سنجش از روی عدالت فرا می‌خواند و رعایت عدالت در سنجش و وزن را هم در ردیف عدالت در نظام آفرینش قلمداد می‌کند و به این ترتیب عدل در سنجش را جزئی از اصل عدالت و نظم کلی حاکم بر سراسر عالم هستی به حساب می‌آورد [۲]. یکی از آداب که کاسب و تاجر در هنگام معامله، به رعایت آن سفارش شده، مربوط به کیل و وزن اجناس مورد معامله است. آگاهی از کیل و وزن زمینه لازم را برای جلوگیری از کم فروشی فراهم می‌کند [۳]. در قرآن کریم از کم فروشان با عنوان «مطففین» یاد شده و مجازات های سختی برای این گروه در نظر گرفته شده است. از منابع فقهی با استناد به آیه ها و سخنان معصوم (ع) درباره کم فروشی مطالبی استنباط شده که حاکی از اهمیت پرداختن به این مسئله می‌باشد. بر این اساس، سوال اصلی این پژوهش عبارت از این است که کم فروشی در آیات و روایات به چه معناست و چه عوامل و پیامد هایی دارد؟

پیشینه تحقیق

محمدی راد و ممقانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان قلمرو کم فروشی در فقه و حقوق ایران اسنادی انجام شده به این نتیجه رسیده است که کم فروشی گرچه در حوزه تجارت و در بخش مکمل و موزون، ظهور و بروز بیشتری دارد ولی در حوزه های کاری، حقوقی، عبادی و اخلاقی نیز متصور است؛ بلکه هرگونه کاستی در حقوق مردم و کوتاهی در انجام تکالیف شرعی و اجتماعی نوعی تطفیف و کم فروشی است که بر اساس منابع فقهی و قوانین جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد و قلمرو آن، شامل انواع مبیع(اعم از مکمل و موزون و غیر آن ها در فضای حقیقی و مجازی)، کوتاهی در انجام تعهدات کاری و خدماتی، کوتاهی همسران در انجام وظایف متقابل و کاستی در عبادات می‌شود.

باشد که به دیگری می‌فروشد و یا کاری باشد که برای فردی انجام می‌دهد. این که خداوند متعال به مسئله ی کم فروشی سوره ای را با چنین عنوانی نازل می‌کند حاکی بر مهم بودن این مسئله می‌باشد. و اینکه وقتی این سوره ی مبارکه با چنین جمله ای آغاز می‌شود (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ) یعنی وای بر کاهش دهندگان (حق مردم) و یا به عبارت دیگر یعنی وای بر کم فروشان، این مهم، نشان از سنگین بودن جرم کم فروشی و حق کشی دارد. قرآن کریم در سوره مطففین نسبت به کم فروشی در داد و ستدهای اقتصادی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: « وای بر کم فروشان! یعنی کالای فروخته شده را ناقص تحویل خریدار می‌دهند. «ویل» واژه‌ای است که هر کس در مهلکه واقع شود آن‌را به کار می‌برد و در اصل به معنای عذاب و هلاک است» [۸]

فعالیت‌های اقتصاد ناسالم

نقشی که اقتصاد در جامعه ایفا می‌کند، همانند ستون میانی خیمه است که خیمه را برپا نگه می‌دارد و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد. اگر اقتصاد جامعه از میان برود یا سست و ضعیف شود، به همان میزان جامعه آسیب می‌بیند. اقتصاد سالم، زیربنای جامعه سالم است قرآن با تأکید بر داد و ستد مشروع و قانونی، جامعه اسلامی را از هر گونه معاملات غیرقانونی و غیرمشروع و باطل نهی می‌کند و مسلمانان را به سوی سلامت اقتصادی دعوت می‌کند. ضایع کردن حق مردم در مسائل اقتصادی، یکی از بارزترین نمونه‌های فساد است. زیرا اقتصاد ناسالم، جامعه را به فساد می‌کشاند [۹] از نظر اسلام هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم تأمین نمی‌شود [۱۰] برای تحقق اقتصاد اسلامی در جامعه باید ملاک‌های اسلامی در جامعه تحقق یافته و فعالیت‌های غیر مجاز اقتصادی در اسلام متوقف شود. بدون شک در مکتب اقتصادی اسلامی مسائل انسانی و مسائل اخلاقی از مسائل اقتصادی جدا نیست و این امر به خلاف مکتب‌های استکباری است. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و درآمدهای را که در مکتب اقتصادی غرب حلال و مجاز شمرده شده در اقتصاد اسلام ممنوع است.

مفهوم کم فروشی در قرآن

از مواردی که موجب می‌شود چیزی از حالت حق و عدالت خود خارج شود، کم فروشی و کم گذاری است. کم فروشی بیشتر در موضوعات اقتصادی به کار می‌رود، در حالی که کم گذاری نسبت به امور دیگر غیر از امور اقتصادی به کار می‌رود. خدا درباره کم فروشی می‌فرماید: (ویل للمطففین الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون وإذا کالوهم او وزنوهم یخسرون) وای بر کم فروشان که چون از مردم پیمانہ ستانند تمام ستانند و چون برای آنان پیمانہ یا وزن کنند به ایشان کم دهند. (مطففین، آیات ۱ تا ۳) ویل در اینجا به معنی "شر" یا "غم" و اندوه "یا" هلاکت "یا" عذاب دردناک " و "یا" وادی سخت و سوزانی در دوزخ" است، و معمولا این واژه به هنگام نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود، و یا اینکه تعبیری است کوتاه اما مفاهیم زیادی را تداعی می‌کند. بنابراین، اگر برخی از چیزها باید با معیار کیل و پیمانہ سنجیده شود، باید آن گونه عمل شود تا عدالت جاری شود و اگر می‌بایست با ترازو و وزن

میزانجانی و صادقی نیری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با کم فروشی که با روش اسنادی انجام شده به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم کم فروشی را یکی از مهمترین مفساد برای اقتصاد جوامع معرفی نموده و نسبت به شیوع و ترویج آن در جوامع هشدار داده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که از طریق گفتمان سازی می‌توان مطلوبیت های تشخیص داده شده بر اساس آموزه های قرآنی را به یک نظام معرفتی غالب و همه گیر در جامعه تبدیل کند تا هنجار های قرآنی در جامعه حفظ شود. نتایج پژوهش زمانی و فکری موجود در جامعه، به طی مراحل سه گانه "توصیف"، "تفسیر و توضیح" و "مواجهه و مبارزه" می‌پردازد.

ایزدی فرد و کاویار (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی فقهی کم فروشی در معاملات که با روش اسنادی انجام شده است به این نتیجه رسیده اند که یکی از آسیب هایی که کسب و کار حلال را تهدید می‌کند، کم فروشی است و این مفهوم دامنه ای بسیار گسترده دارد و شامل هر گونه نقصان در ارائه ی خدمات یا تولید و فروش کالا، اعم از کمیت و کیفیت می‌شود. عدالت اجتماعی بدون اجتناب از کم فروشی قابل تحقق نیست. کم کاری نیز یکی از مصادیق کم فروشی است. کم فروشی موجب دوری از رحمت الهی و سبب تباهی و فساد در جامعه می‌شود.

سلیمانی و عربلو (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی آثار و ثمرات اقتصادی ایفاء کیل و میزان که به روش کتابخانه ای انجام شده به این نتیجه رسیده است که ایفاء کیل و میزان از موجبات شکل گیری امنیت در مال می‌باشد و در سایه این امنیت است که اطمینان و آرامش برای افراد جامعه به ارمغان می‌آید و امکان تدبیر شئون اقتصادی، تمرکز بر تلاش و فعالیت و سامان بخشی به معیشت به وجود می‌آید و با افزایش اعتماد میارن افراد، هزینه مبادلات کاهش یافته و سطح مبادلات افزایش می‌یابد و از این طریق به پایین آمدن قیمت ها و ارزانی کالاها و خدمات می‌انجامد. بنابر این، یکی از محور هایی که سیاست گذاران و مسئولان اقتصادی بایستی میزان تحقق آن را رصد کنند و نسبت به آن حساس باشند، ایفاء کیل و میزان به مفهوم گسترش یافته آن است.

مفهوم شناسی کم فروشی

کلمه کم فروشی معادل تطفیف و بُخس در زبان عربی است. تطفیف بنا به آنچه در تاج العروس آمده، خیانت به خریدار از طریق کم گذاشتن در پیمانہ یا وزن است [۴] مطفّف کسی است که با کم گذاشتن در پیمانہ یا وزن از حق دیگری می‌کاهد. تطفیف، خیانت از طریق کم گذاردن در پیمانہ یا وزن است [۵]؛ تطفیف به معنای کم کردن پیمانہ و وزن است [۶]

بخس یعنی نقص (کم گذاشتن) و ظلم [۷] «طف» به معنای نوع رفتار اقتصادی غیر عادلانه است که مطفّف در هنگام خرید برای خود، پیمانہ را پر می‌گیرد، اما در هنگام فروش، کم می‌گذارد؛ زیرا واژه خسران به معنای زیان از اصل سرمایه است؛ یعنی اصل سرمایه را کم می‌گذارد و به شخص به اندازه دقیق و کامل نمی‌دهد. مطفّف به کسی اطلاق می‌شود که از چیزی بکاهد و آن را از حد واقعی آن کم کند و آن را اندک کند، حال آن چیز ممکن است جنسی

کم فروشی در روایات

طبق روایات اسلامی هر بار که خداوند گروهی را با عنوان «وای بر آن ها» تهدید می کند، در کنار آن گروه کفار، مشرکان یا مکذبان قرار دارند. بنابراین کسانی که در معامله کم فروشی می کنند نیز در ردیف این گروه ها که همه آن ها مستوجب عذاب سخت الهی و جهنم هستند، قرار دارند. کم فروشی مایه استعمار و فسادانگیزی در جامعه است و افزون بر گناه کبیره بودن [۱۳] کیفر دنیوی آن به شکل قحطی و خشکسالی بروز می کند. رسول خدا(ص) می فرماید: هرکس یک شب در آرزوی گرانی برای امت من باشد خداوند اعمال چهل ساله او را تباه خواهد کرد [۱۴]

گران فروشی و کم فروشی و غش در معامله «غش» در لغت یعنی تقلب و تزویر و خیانت و در اصطلاح، یعنی جنس خوب را با جنس بد مخلوط کردن یا اینکه فروشنده، جنس نامرغوب را به صورت کالای مرغوب ارائه دهد، به گونه ای که مشتری و خریدار نفهمد. امام صادق(ع) می فرماید: پیش از ظهور حضرت قائم(عج) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است. خداوند در سوره بقره، آیه ۱۵۵ می فرماید: «و شما (مؤمنان) را (پیش از ظهور قائم(عج)) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی ها و جان ها و میوه ها می آزمایشیم؛ پس صابران را مژده ده؛ آن گاه فرمودند: ... مراد از گرسنگی، گرانی قیمت هاست و منظور از کمی دارایی ها، کسادی تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان ها، مرگ های فراوان و سریع و بی در پی است و مراد از کمبود میوه ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور قائم(عج) در آن هنگام». و می بینی که زندگی مرد از کم فروشی و تقلب تأمین می شود [۱۵]

امام علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر می فرماید: «... بدان که در بسیاری از آنان سختگیری بی اندازه و بخل ورزی زشت و نکوهیده و احتکار و نگاهداری (اشیاء) برای گران فروشی و به دلخواه نرخ نهادن در فروختنی ها می باشد، و این کارهای ایشان سبب زیان رساندن به همگان و زشتی حکمرانان است [۱۶]

ربا، احتکار، کم فروشی خرید و فروش کالاهایی چون شراب، الات قمار، و ... که برای مردم مضر است باطل و حرام است. انسان حرص و طمع دارد و علاقه دارد که یک روزه ثروتمند شود و ثروت انبوهی را به دست بیاورد. با این حالت مجبور می شود راههای مختلفی را طی کند. خود را به مکر، حيله، کلاهبرداری و نیرنگ آلوده کند و اغلب نیز در این زمینه بیروز و موفق نمی شود؛ چون در تاریخ ثابت شده است که گناه و حالات زشت اخلاقی در عمل بیروزی ندارد [۱۷]. امام صادق(ع) نیز فرمودند: «مغبون ساختن مؤمن، حرام است و مغبون ساختن کسی که در قیمت کالا (و سالم بودن جنس) به فروشنده اعتماد کرده، حرام است.»

قیح و حرمت کم فروشی

حضرت شعیب در آیه ۸۵ سوره اعراف، قوم خود را پس از دعوت به توحید (که اساس و پایه دین است)، ابتدا به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم فروشی دعوت کرده و آنگاه آنان را از فساد در زمین، بر حذر داشته است چون برخلاف فطرت انسانی است. منظور از فساد در زمین گناهیانی است که باعث سلب امنیت مالی

سنجیده شود، باید وزن مخصوص را به کار گرفت تا با اندازه دقیق آن چیز در معاملات رد و بدل شود و کم فروشی و کم گذاری صورت نگیرد.

در هنگام خرید واژه «کیل» را بدون «وزن» به کار می برد که نشان می دهد، در هنگام خرید پیمانانه را به کار می برد که امکان استیفاء در آن فراهم تر است و چیزی را تمام کمال بر می دارد. در روایت است که وقتی رسول خدا(ص) وارد مدینه شد وضع کیل و ترازو، صورت شایسته ای نداشت و پس از نزول آیات مذکور وضع بهتر شد [۱۱]

از دیگر واژگان، برای کم گذاری و کم فروشی واژه «بخس» است خداوند در سه آیه از مشتقات آن برای بیان کم گذاری در امور و کارها فرموده است:

(أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ) (۴۶: ۱۸۱) وَ زُنُوا بِالْقِسْطِ الْأَسْتَقِيمِ (۲۶: ۱۸۲) (و لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (۲۶: ۱۸۳)

این آیات درباره حضرت شعیب(ع) و قوم مدین بوده که در مسائل اقتصادی با مشکلات عدیده ای مواجه بودند. آنچه در این آیات بیان شده هر چند بیشتر در جنبه اقتصادی است، ولی می توان گفت که کم گذاری و نقص در اشیاء در همه کارها و زمینه ها امکان پذیر است؛

(وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَبْخَسُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ) (۱۱: ۸۴). و به سوی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم گفت: ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمانانه و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. این رهنمودها اگر مومنین برای شما بهتر است.

(وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ) (۸۳: ۱) (الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ) (۸۳: ۲) (وَ إِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وُزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ) (۳: ۸۳) وای به حال کم فروشان! آنان که وقتی چیزی را با پیمانانه یا وزن از مردم تحویل می گیرند، کاملاً حق خود را استیفاء می کنند ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می دهند، در پیمانانه و وزن کمتر می دهند. آیا آنها عقیده ندارند که بعد از مرگ زنده خواهند شد و به روز بزرگ رستاخیز ایمان ندارند.

(فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۷: ۸۵) خداوند خطاب به قوم شعیب، اهالی شهر مدین می فرماید: پیمانانه و وزن را تمام و کمال تحویل بدهید و در مال مردم نقصان روا مدارید و در پهنه زمین پس از آنکه صلاح و اصلاح برقرار شد، فساد را منتشر نکنید و این امر برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید.

این آیات هشدار است به مردم، که در داد و ستد کم فروشی می کنند، لذا مضمون این آیات یک مذمت است، و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت، ولی برای دیگران رعایت نمی کنند. به عبارت دیگر، حق را برای دیگران آن طور که برای خود رعایت می کنند رعایت نمی نمایند [۱۲]

و جانی در اجتماع می‌گردد. «ذلکم خیر لکم ان کتتم مؤمنین» علت برای این دو دعوت است. زیرا وفای به کیل و وزن و برهم نزدن نظم اقتصادی و اجتماعی، برای جامعه انسانی بهتر است و سعادت دنیا و آخرت جامعه را بهتر تأمین می‌کند. یکی از گناهی که به کبیره بودنش تصریح شده، کم فروشی است [۱۸] و اصل حرمتش از روی قرآن و سنت و اجماع و عقل ثابت است. کم فروشی معامله باطل و غیرصحیح است و موجب انتقال مال از شخصی به شخص دیگر نمی‌شود و هرگونه تصرفات در این مال، باطل و غیرمشروع خواهد بود. در قرآن مجید صریحاً وعده عذاب به شدیدترین بیانی داده شده اهمیت پرهیز از کم فروشی تا بدان پایه است که اسلام با همه ارزش و اهمیتی که برای امر تجارت و کسب قائل است و کاسب را حبیب خداوند شمرده، در عین حال با لحنی شدید و صریح، تجار و کسبه‌ای را که نسبت به تحویل اجناس خریداران کم توجهی می‌کنند، یا در حق آنان مرتکب اجحاف می‌شوند، از اهل آتش معرفی می‌کند.

عوامل کم گذاری و کم فروشی

اموری موجب می‌شود که انسان در کارها گرفتار کم گذاری و کم فروشی شود. مهم ترین عوامل عبارتند از:

۱- نداشتن ایمان به معاد: قرآن کریم علت کم فروشی را ایمان نداشتن به معاد می‌داند: (أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ، لِيَوْمٍ عَظِيمٍ) آیا این کم فروشان نمی‌دانند که برای روزی بسیار بزرگ، مبعوث خواهند شد. (و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن همه کم فروشی‌ها را بدهند.) (مطففین/۴-۵)

۲- حرص: یکی از ریشه‌های کم فروشی، صفت رذیله حرص است. حرص در واقع حالت و صفتی نفسانی است که انسان را به جمع آوری آنچه نیاز ندارد برمی‌انگیزد، بدون آن که به حد و مقدار معینی اکتفا کند، چون حریص هرگز به حدی که در آنجا توقف کند، منتهی نمی‌شود [۱۹]

۳- کفر و عدم ایمان: از دیگر عوامل موثر، کفر و عدم ایمان است (هود، آیات ۸۵ و ۸۶)؛ پس ایمان موجب می‌شود تا شخص از عمل کم گذاری اجتناب کند.

۴- بی تقوایی: همچنین بی تقوایی عامل کم گذاری است؛ زیرا کسانی که اهل تقوای الهی باشند، هرگز کم نمی‌گذارند و کم فروشی نمی‌کنند.

۵- تقلید: از جمله عوامل در رفتار زشت کم گذاری، تقلید کورکورانه از دیگران به ویژه سنت های غلط اجتماعی و اقتصادی پدران و اجداد است (هود، آیه ۸۷) و کسانی که به جای تقلید کورکورانه به آیین اسلام عمل کنند، به طور طبیعی از کم گذاری و کم فروشی اجتناب می‌کنند زیرا نماز و «صلوه» در آیه، نشانه ای دین اسلام و ایمان به آن است [۲۰]

۶- بی‌نمازی: کسانی که اهل نماز نیستند گرفتار کم گذاری و کم فروشی در کار و کالا و خدمات می‌شوند؛ در حالی که اهل نماز که نماز جزو سیرت و سنت رفتاری شان باشد، از آنها اجتناب می‌کنند (هود، آیه ۸۷)؛ آیا نماز تو به ما فرمان می‌دهد که ترک کنیم آنچه را که در اموال خود از کم فروشی و نقصان می‌خواهیم انجام دهیم. [۲۱]

آثار و پیامدهای کم فروشی و کم گذاری

از نظر قرآن، کم فروشی آثار زیانباری بر فرد و اجتماع و نیز در زندگی دنیوی و اخروی دارد که باید از آن اجتناب کرد. کم فروشی و گران‌فروشی از آفت‌های کسب روزی حلال بوده که بسیاری از اهل بازار ممکن است دانسته یا ندانسته به آن مبتلا شوند. درآمد حاصل از کم فروشی و گران‌فروشی حرام است و باید به صاحبان حق برگردانده شود و فروشنده‌ای که گران‌فروشی کرده، شرعاً مالک آن اموال نیست، زیرا درآمد حاصل از گران‌فروشی، حرام است و از حق الناس به شمار می‌رود که باید به صاحب اصلی آن برگردانده شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "هر مردی که قوت مردم را بخرد و تا چهل روز آن را نگاه دارد به انتظار اینکه مسلمانان در گرانی واقع شوند گناهی کرده که اگر تمام آن قوت را بفروشد و پولش را صدقه بدهد، کفاره آن گناهی که کرده نمی‌شود".

در آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود خداوند به یکی از مفاسد اقتصادی که از روح شرک و بت پرستی سرچشمه می‌گیرد و در آن زمان در میان اهل "مدین" سخت رائج بود: "به هنگام خرید و فروش پیمانانه و وزن اشیاء را کم نکنید (وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ) مکیال" و "میزان" به معنی پیمانانه و ترازو است و کم کردن آنها به معنی کم فروشی و نپرداختن حقوق مردم است. پیامدهای کم فروشی و گران‌فروشی عبارتند از:

۱- ظلم: از نظر قرآن، کم فروشی خروج از دایره عدالت و دخول در دایره ظلم و ستم است. پس کم گذار و کم فروش نسبت به دیگران ظلم روا می‌دارد به طوری طبیعی آثار و پیامدهایی که برای ظلم و ظالمین بیان شده، برای چنین افرادی نیز ثابت است که مجازات در دنیا و آخرت است (هود، آیات ۸۵ و ۹۴)

۲- خشکسالی: خشکسالی یکی از بزرگترین آثار سوء کم فروشی، است و وقتی خشکسالی به وجود آمد، جامعه با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَذَا ظَهَرَ الزَّيْنُ مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْقَبَاةِ، وَأَذَا طُفَيْفَ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسَّيْنِ وَالنَّقْصِ، وَأَذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالنَّمْرِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا، وَأَذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَ الْمُدُونِ، وَ أَذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَأَذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، وَأَذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛ در کتاب رسول خدا (ص) یافتم: هرگاه پس از من زنا پدیدار شود، مرگ ناگهانی فراوان شود، و هرگاه از پیمانانه و ترازو کم شود، خداوند آنان را به قحطی و کمی (خواربار و سایر وسایل زندگی) گرفتار می‌کند، و هرگاه از دادن زکات دریغ کنند، زمین برکات خود را از زراعت و میوه‌ها و معادن از آنها دریغ می‌کند، و هرگاه در احکام به ناحق حکم کنند، در ستم و دشمنی با هم گرفتار می‌شوند و چون پیمان شکنی کنند خداوند دشمنانشان را بر آنان مسلط کند، و چون قطع رحم کنند خداوند اموال (و ثروتها) را در دست اشرار قرار دهد، و چون امر به معروف و نهی از منکر نکنند

دارد. (نساء، آیات ۲۹ و ۳۰) امام باقر(ع)، بخش و کم فروشی را از مصادیق «بالباطل» دانستند [۲۵]

۱۱- سلب اعتماد: چنانچه کم فروشی در جامعه توسعه یابد، اعتماد مردم به یکدیگر سلب شده، در نظام خرید و فروش و قراردادها خسارات جبران ناپذیری رخ خواهد داد. نظم امور معاملات و داد و ستدها بر آن است، کالایی که مورد فروش قرار می گیرد - چه از لحاظ وزن و سایر جهات که مورد نظر و قرارداد بوده - باید طبق قرارداد و تعهد عمل شود، و گر نه مستلزم اختلال نظام زندگی خواهد شد. بدیهی است هدفی که بر انجام معاملات مترتب می شود انتظام معیشت طبقات مردم و نیز ارتباط و اعتماد طبقات جامعه به یکدیگر است. چنانچه هر یک از دو طرف معامله از قرارداد تخلف نماید منجر به اختلاف گشته و در صورتی که همگانی شود اعتماد مردم به یکدیگر سلب شده و ارتباط مالی و معاشرتی آنان گسیخته شده، شئون زندگی اجتماع متزلزل خواهد شد [۲۶]

۱۲- فساد اقتصادی: در آیات قرآن کرآ از کم فروشی نکوهش شده است؛ کم فروشی و ترک عدالت به هنگام پیمانانه و وزن را در ردیف فساد در زمین شمرده است، و این خود دلیلی به ابعاد مفساد اجتماعی این کار است [۲۷]

۱۳- نزول عذاب الهی: کم گذاری و کم فروشی موجب می شود که فرد و اجتماع گرفتار عذاب الهی شود که به عنوان مجازات در دنیا مطرح است. البته این عذاب در آخرت با دوزخ، ادامه می یابد. از نظر قرآن، عذاب استیصال امری است که برای کم گزاران رقم خورده است. بنابراین آنان باید بترسند که در همین دنیا به عذابی به ظاهر چون زلزله و بحران های اقتصادی و مانند آنها خود و سرمایه خودشان را از دست بدهند (هود، آیات ۸۴ تا ۹۵) زیرا، مقصود از «عذاب» در آیه ۸۴ هود، عذاب استیصال است [۲۸]

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: هیچ قومی عهد شکنی نکردند، مگر این که خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط ساخت. هیچ جمعیتی به غیر حکم الهی حکم نکردند، مگر این که فقر در میان آنها زیاد شد. در میان هیچ ملتی فحشاء ظاهر نشد، مگر این که مرگ و میر در میان آنها فراوان گشت! هیچ گروهی کم فروشی نکردند، مگر این که زراعت آنها از بین رفت و قحطی آنها را فرو گرفت! و هیچ قومی زکات را منع نکردند، مگر این که باران از آنها قطع شد [۲۹] ما نقض قوم العهد الا سلط الله عليهم عدوهم! و ما حکموا بغیر ما انزل الله الا فشا فیهم الفقر! و ما ظهرت فیهم الفاحشة الا فشا فیهم الموت! و لا طففوا الکیل الا منعوا النبات و اخذوا بالسنین! و لا منعوا الزکات الا حبس عنهم المطر!»!

مسئله کم فروشی موجب به هم خوردن نظام اقتصادی می شود و نزول عذاب الهی را در پی خواهد داشت: (یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم... «و من یفعل ذلك عذواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً و کان ذلك علی الله یسیراً) ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آن که تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است»؛ (نساء، ۲۹ - ۳۰). در این آیه از خوردن

و پیروی از نیکان اهل بیت من ننمایند، خداوند اشرار آنان را بر ایشان مسلط گرداند، پس نیکان آنها دعا کنند و مستجاب نشود» [۲۲]

۳- فساد اجتماعی: هر گونه کم گذاری و کم فروشی موجب می شود تا به جای صحت امور و اصلاح آن، کارها از مدار صحت و اصلاح بیرون رفته به فساد و تباهی کشیده شود. به طور طبیعی فساد ضد صلاح خواهد بود و اجتماع از یک اجتماع سالم و صالح خارج می شود. از نظر آموزه های قرآن، کسی که کم گذاری و کم فروشی می کند، گرفتار فساد در زمین و چنین شخصی به عنوان «مفسد فی الارض» مجازات می شود. (اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵؛ شعراء، آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳). به هر حال، از نظر آموزه های قرآنی، فساد اقتصادی موجب فسادهای گوناگون اجتماعی است و اجتماع را از حالت عدالت و صلاح به فساد و ظلم سوق می دهد و از برکات گوناگون محروم می سازد.

۴- محرومیت از خیر: خیر هر نعمتی است که مناسب با انسان است؛ زیرا برخی از نعمت ها برای شخصی خیر نیست؛ هر چند که در ذات خودش خیر باشد. بنابراین، اگر کسی بخواهد خیری به او برسد می بایست عدالت را در کارها رعایت کرده و کم گذاری و کم فروشی نداشته باشد. در غیر این صورت خدا او را به محرومیت از خیر مجازات می کند. از همین رو خدا به صراحت بیان داشته که بقیه الله یعنی آن باقیمانده از سودی که در هر کاری از جمله معامله انجام می شود، اگر چه اندک باشد، ولی در آن خیر و برکت است؛ زیرا ما آن باقیمانده الهی را محافظت می کنیم و به آن برکت می دهیم [۲۳]

۵- محرومیت از رحمت الهی: کسی که کم گذاری و کم فروشی می کند، گرفتار محرومیت از رحمت عام و خاص خدا می شود

۷- نفرین: از مواردی که نفرین جایز است نسبت به کم فروشان و کم گزاران است؛ همان طوری که خدا آنان را به ویل نفرین کرده که همان عذاب دوزخ است (مطففین، آیات ۱ تا ۳) همچنین پیامبران از جمله شعیب آنان را نفرین کرد و موجبات عذاب استیصال الهی را فراهم آورد

۸- تهدید: خدا و پیامبران کم فروشان را تهدید به عذاب دنیوی و اخروی کرده اند (همان؛ بنابراین، مردم باید بدانند که با کم فروشی و کم گذاری در کارها شرایطی را فراهم می آورند که مستحق تهدید الهی خواهند بود بنابراین، باید از هر گونه کم فروشی و کم گذاری اجتناب کرد و از کرده نادرست خویش با استغفار و توبه پوزش خواست خدا در آیات قرآن از مردم می خواهد برای دوری از گناه کم گذاری توبه و استغفار کنند.

۹- آتش دوزخ: کم فروشی و کم گذاری عامل رفتن شخص به دوزخ و گرفتاری در آتش آن است. (نساء، آیات ۲۹ و ۳۰؛ مطففین، آیات ۱ تا ۳) مقصود از باطل، هر چیزی است که مخالف شرع باشد، مثل ربا، کم فروشی و ظلم. «ویل» در اصل به معنای عذاب و هلاکت است و به معنای دره ای در جهنم، آمده است. [۲۴]

۱۰- گرایش به باطل: کم گذاری از مصادیق باطل است که در برابر حق قرار می گیرد. پس کسی که کم می گذارد نه تنها از حق دور می شود، بلکه کار باطلی را انجام می دهد که آثار سوء

مال از راه‌های باطل نهی شده و بدیهی است که یکی از مصادیق خوردن مال از راه باطل، کم‌فروشی است.

از پیامبر اکرم (ص) درباره ی پیامد های این گناه کبیره روایت شده است: هنگامی که در میان گروهی کم‌فروشی رایج شود، خداوند، کشاورزی آنان را از میان می‌برد و آنان را گرفتار خشک سالی می‌سازد [۳۰]

در حدیث دیگری ایشان فرمودند: « پنج خصلت بد است که با پنج مصیبت و بلا همراه است هیچ گروهی نیستند که پیمان شکنی کنند مگر خدا دشمن را برایشان مسلط می‌فرماید و هیچ گروهی نیستند که بغیر حکم خدا حکم کنند مگر تهیدستی در میانشان آشکار شود و هیچ گروهی نباشند که در میانشان فاحشه پیدا شود مگر مرگ در آن‌ها پیدا شود و هیچ فرقه‌ای نباشند که کم‌سنجیدن و کم‌پیمودن را پیشه کنند مگر از نباتات و قوت‌ها محروم گردند و به قحط و غلا مؤاخذه شوند و هیچ گروهی نباشند که زکات را به مستحقان نرسانند مگر باران از ایشان باز گرفته می‌شود [۳۱]

۱۴- نابودی: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: " هر گروهی کم‌فروشی کنند خداوند زراعت آنها را از آنها می‌گیرد، و گرفتار قحطی می‌شوند!" یکی از عوامل مهم نابودی و عذاب بعضی از اقوام گذشته مساله کم‌فروشی بوده است که موجب به هم خوردن نظام اقتصادی آنها، و نزول عذاب الهی شده. حتی در روایات اسلامی در آداب تجارت آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمان‌ها و وزن کمی بیشتر بدهند، و به هنگام گرفتن حق خود کمی کمتر بگیرند [۳۲] از سوی دیگر مساله کم‌فروشی هر گونه کم و کسر گذاردن در کار و انجام وظایف فردی و اجتماعی و الهی را شامل می‌شود.

۱۵- افول ارزشهای اجتماعی: کم‌فروشی، خیر و ارزش‌های اجتماعی را دچار افول می‌کند و جامعه را دچار ضعف می‌کند. وقتی کسی شعار آزادی و عدالت و حق و میزان بدهد و بخواهد با میزان، علیه میزان و با عدالت به جنگ عدالت برود، موجبات تهی شدن ارزش‌ها از ارزش می‌شود و مردم را نسبت به این مسایل دشمن می‌سازد و یک ارزش را با بازی خودش به ضدا ارزش تبدیل می‌کند. از این رو خشم الهی را سبب می‌شود؛ چرا که خیر و ارزش‌ها را از جامعه زدوده است.

نتیجه کم‌فروشی

خداوند در بیان حکم شدید درباره کم‌فروشی که آن را از محرمات الهی دانسته (انعام، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ و نیز هود، آیات ۸۵ و ۹۴ و اسراء، آیه ۳۵ و آیات دیگر قرآن) به برخی از آثار این رفتار ظلمانه اشاره می‌کند تا این گونه انسان را تشویق به ترک این رفتار کند. خداوند با اعلان حرام بودن کم‌فروشی در همه شرایع (اعراف، آیه ۸۵ و نیز شعراء، آیات ۱۷۶ تا ۱۸۹) و تهدید کم‌فروشان به عذاب قیامت (هود، آیات ۸۴ و ۸۵) و نیز عذاب دنیوی (هود، آیات ۸۴ تا ۸۹) بر آن است تا مردم را از آن باز دارد تا دچار تبعات و آثار فسادانگیز آن نشوند. خداوند در سوره شعراء آیات ۱۷۶ تا ۱۸۹ به انسان هشدار می‌دهد یکی از عوامل گرفتاری انسان به عذاب استیصال و نابودی در دنیا، کم‌فروشی است؛ چنان که اصحاب «ایکه» و مردم مدین از قوم شعبی (ع) این گونه بودند و

خود را به عذابی سخت گرفتار کردند و به صبیحه آسمانی هلاک شدند. [۳۳] از نظر قرآن کم‌فروشی عمل ظالمانه اقتصادی است که همه تار و پود جامعه را متاثر از فساد و تباهی می‌کند و با سلب امنیت و اعتماد اجتماعی، جامعه را تا مرز سقوط و تباهی پیش می‌برد و موجبات خشم و غضب الهی را فراهم می‌آورد، از این رو کم‌فروشی به عنوان گناه کبیره معرفی شده و وعده عذاب دوزخ در

آخرت و استیصال در دنیا را می‌دهد (نساء، آیات ۲۹ تا ۳۱) اصولاً گناهان کبیره، آن دسته از گناهانی است که تأثیرات آن فراتر از حوزه شخصی است و جامعه را از خود متاثر می‌سازد و زمینه گسترده‌ای را برای فساد و تباهی اجتماعی فراهم می‌کند. از این رو بر ارتکاب همه گناهان کبیره عذاب دوزخ وعده داده می‌شود و در صورت گسترش و فراگیری آن، جامعه در همین دنیا به عذاب استیصال، گرفتار و نابود می‌شود.

خداوند در آیاتی از جمله آیات پیش فرموده و آیه نخست سوره مطففین، کم‌فروشی را عامل گرفتاری در آتش دوزخ دانسته و کم‌فروشان را در دره‌ای از دوزخ به عذابی هلاک کننده و دردناک ترسیم می‌کند [۳۴] این که کسی به نام عدالت، ریشه عدالت را بزند و یا به نام حقوق بشر، حقوق بشر را ریشه کن کند یا به عنوان پیمان‌ها و ترازو، ریشه عدالت قسطی یا همان عدالت ملموس را بخشکاند، فریبی بزرگ است که جز عذاب خوار کننده و هلاک کننده دنیا و عذاب آخرتی دوزخ و آتش آن نمی‌تواند، کیفر و مجازات چنین عملی باشد. (شعراء، آیات ۱۸۱ تا ۱۸۹ و نیز هود، آیات ۸۴ تا ۹۵). افزون بر حرمت و گناه و عذاب های دنیوی و اخروی، نگاهی حقوقی نیز به مسئله کم‌فروشی داشته و هرگونه تصرف در اموال به دست آمده از راه کم‌فروشی را حرام دانسته است (نساء، آیات ۲۹ و ۳۰). امام باقر (ع) در حدیثی، بخش و کم‌فروشی را از مصادیق باطل معرفی کرده و اجازه نمی‌دهد تا مالی که از طریق کم‌فروشی به دست می‌آید مجاز به تصرف باشد [۳۵]

نتیجه‌گیری

هر نظام منسجم اقتصادی در طول زمان بر اثر ایجاد برخی مسائل دچار آسیب‌هایی می‌گردد که باعث پایین آمدن پویایی و رشد اقتصادی جامعه می‌شود آسیب‌های متعددی می‌تواند نظام اقتصادی اسلامی را از حرکت رو به شتاب خود بازدارد و باعث تضعیف چرخش طبیعی اقتصاد شود و موجبات سلب امنیت روانی جامعه را فراهم نماید از نظر قرآن و روایات کم‌فروشی از مواردی است که به شدت نهی شده و بارها مومنان را نسبت به این امور هشدار داده است. کم‌فروشی، تقلب در معامله، معاملات حرام از مصادیق فساد بوده و تحت تأثیر عواملی همچون نداشتن ایمان به معاد، حرص، کفر و عدم ایمان، بی‌تقوایی، تقلید، بی‌نمازی شکل بگیرد. کم‌فروشی و گرانفروشی می‌تواند تأثیرات مخرب و زیانباری را بر جا گذارد که از جمله آنها می‌توان به، ظلم، خشکسالی، فساد اجتماعی، محرومیت از خیر، محرومیت از رحمت الهی، نفرین، تهدید، آتش دوزخ، گرایش به باطل، سلب اعتماد، فساد اقتصادی، نزول عذاب الهی، نابودی، افول ارزشهای اجتماعی اشاره کرد. این آسیب‌ها دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ و اقتصاد را از

Islamic Publications of Qom University Teachers' Association.

- 13- Sadouq, Ibn Babuyeh Qomi, (1368) The reward of actions and the consequences of actions, Qom, Razi publisher.
- 14- Motaghi, Ali bin Hosam al-Din (1409), Kanzal-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal, published by Bakri Hayani and Safwa Saqqa, Beirut
- 15- Yazdi Haeri, Ali, (1383) Zam al-Naseb, published by Anvar Al-Hadi, first edition.
- 16- Faiz al-Islam, Seyyed Ali Naghi (1351), translation and explanation of Nahj al-Balagha, Tehran, Haidari Publishing House
- 17- Ansarian, Hossein, (1382) Halal and Haram of Qom Finance: Dar Al-Irfan Publications
- 18- Najafi, Sheikh Mohammad Hassan, (1362) Javaher Al-Kalam, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 7th edition
- 19- Mojtavai, Seyyed Jalaluddin; The Science of Islamic Ethics (Jamee Al-Saadat translation), Hikmat Publishing House, second edition
- 20- Tusi, (1413), Tafsir Tabiyan, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Beirut, first edition
- 21- Tusi, (1413), Tafsir Tabiyan, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Beirut, first edition
- 22- Kilini, Kafi, (1407) Dar al-Katb al-Islamiyya, Tehran, 4th edition
- 23- Zamakhshari (1428) al-Kashshaf on the facts of al-Tanzil, margin: Seyyed Sharif Jarjani, Beirut: Dar al-Fikr
- 24- Ibn Manzoor, (1955 AD) Lisan al-Arab, Beirut: Dar al-Beirut for printing and publishing.
- 25- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372) Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, introduction, rhetoric, Mohammad Javad, Tehran, Nasser Khosrow, third edition.
- 26- Hosseini Hamdani, Seyyed Mohammad Hossein (1404) Anwar Derakhshan, Research, Behbodhi, Mohammad Baqer, Tehran, Lotfi bookstore, first edition.
- 27- Makarem Shirazi, Nasser, (1371) Tafsir al-Islamiyya, Dar al-Katb al-Islamiyya, Tehran, 10th edition

حالت رشد و شکوفایی به اقتصاد بیمار تبدیل می‌کند که نه تنها قوام نخواهد یافت بلکه از درون فرو می‌پاشد و به فرسایش می‌برد.

References

The Holy Quran

- 1- Mirzajani, Masoumeh and Sadeghi Neiri, Ruqiyeh (2019) Discourse of the Qur'an in order to fight against underselling Scientific journal of interpretive studies. Year 11, No. 42, pp. 200-179
- 2- Izadi Fard, Ali Akbar and Kaviar, Hossein (2012) Jurisprudential review of short selling in transactions. Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking, first year, first issue, pp. 105-128
- 3- Izadi Fard, Ali Akbar and Kaviar, Hossein (2012) Jurisprudential review of short selling in transactions. Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking, first year, first issue, pp. 1142-141
- 4- Zubeidi, Morteza, Muhammad bin Muhammad, (1306), Taj al-Arus, Daralibia, Egypt.
- 5- Tusi, (1413), Tafsir Tabiyan, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Beirut, first edition
- 6- Qurashi, Seyyed Ali Akbar (1371) Qur'an dictionary, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya, 6th edition
- 7-Zubaidi, Morteza, Muhammad bin Muhammad, (1306), Taj al-Arus, Daralibia, Egypt
- 8- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372) Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, introduction, rhetoric, Mohammad Javad, Tehran, Nasser Khosrow, third edition.
- 9- Qaraeti, Mohsen, (2007) Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an
- 10- Motahari, Morteza (1368) An overview of Islamic economic system, first edition, Qom, Sadra
- 11- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372) Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, introduction, rhetoric, Mohammad Javad, Tehran, Nasser Khosrow, third edition.
- 12- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417) Al-Mizan fi Tafsir Qur'an, Office of

- 28- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417) Al-Mizan fi Tafsir Qur'an, Islamic Publications Office of Qom University Teachers' Association.
- 29- Fakhr al-Din Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar (1420), Mufatih al-Ghaib, vol. 31, p. 83, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, third edition
- 30- Sadouq, Ibn Babuyeh Qomi, (1368) Rewards of actions and punishments of actions, Qom, Razi publisher
- 31- Dastghaib, Seyyed Abdul Hossein, (1388) Great Sins, Hatef publisher, 4th edition
- 32- Harr Ameli, Muhammad bin Hassan, (1412) Vasal al-Shia, Tehran, Maktab al-Islamiya Publications, corrected by Rabbani Shirazi.
- 33- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417) Al-Mizan fi Tafsir Qur'an, Office of Islamic Publications of Qom University Teachers' Association.
- 34- Ibn Manzoor, (1955 AD) Lasan al-Arab, Beirut: Dar al-Beirut for printing and publishing.
- 35-Hawizi's wedding, Abd al-Ali bin Juma (1415). Tafsir Noor al-Saghalin (Research, Seyyed Hashim Rasouli Mahalati). Qom: Ismailian Publications, 4th edition.